



موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در مناسبات قدرت منطقه‌ای و جهان

دکتر علیرضا عباسی سمنانی

دکتری جغرافیای سیاسی

چکیده

کشور ایران در یکی از حساس‌ترین موقعیت‌های ژئوپلیتیکی جهان قرار گرفته، به گونه‌ای که مناطق ژئوپلیتیکی فعالی با کارکردهای گسترده و متعدد گرداگرد آن را فرا گرفته و آن را به صورت کانون جاذبه دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی درآورده است. این موقعیت باعث تأثیرگذاری ایران در روند تحولات جهانی و منطقه‌ای می‌شود.

اما از آنجایی که سیاست خارجی و عملکرد دولت‌ها برگرفته از محیط ژئوپلیتیک و ایجاد شرایط تعامل در مجموعه‌ای از رفتارهای مکانی و زمانی آنان است، جمهوری اسلامی ایران نیز به رغم برخورداری از موقعیت استراتژیک، لازم است طراحی و اجرای سیاست خارجی بر مبنای ژئوپلیتیکی (موقعیت، وضعیت، منابع انرژی، ایدئولوژی، قلمرو فرهنگی و...) همراه با تعامل مؤثر و ایجاد درکی متقابل از شرایط زمان و مکان داشته باشد. با این وصف، در این نوشتار، تلاش بر آن است تا با شناخت دقیق و عمیق بسترهای مساعد و نامساعد ژئوپلیتیکی ایران، زمینه‌ها و رویکردهای تحقق فرصت‌ها و مقابله با چالش‌های گوناگون برای حضور مؤثر جمهوری اسلامی ایران در تحولات نظام بین‌الملل با کمترین هزینه و بیشترین منافع تبیین شوند.

واژه‌های کلیدی: موقعیت ژئوپلیتیک ایران، تعاملات بین‌الملل، فرصت‌ها، چالش‌ها.

مقدمه

کشور ایران به خاطر داشتن جمعیت زیاد، ثبات سیاسی، منابع بالقوه اقتصادی و از همه مهم‌تر داشتن بیشترین ساحل خلیج فارس و تسلط بر تنگه استراتژیک هرمز و همچنین اتصال آن به کشورهای آسیای مرکزی و دریای خزر، همانند پلی بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا اهمیت ژئوپلیتیکی فوق‌العاده‌ای دارد. نقش هر کشور در صحنه بین‌المللی فقط در افکار و عقاید سیاست‌مداران آن خلاصه نمی‌شود و عوامل خاصی وجود دارد که فراتر از امیال و آرزوهای آنان است و از آن نمی‌توان به عنوان ژئوپلیتیک نام برد. سیاست بین‌المللی ناشی از تعاملات واحدهای سیاسی است. دوافکتور مهم یعنی اهداف و امکانات در این کنش و واکنش نقش فوق‌العاده‌ای دارند. تحقق اهداف با توانایی‌هایی همراه است که از آن میان، عوامل طبیعی و جایگاه یک کشور در نظام بین‌المللی نقش به‌سزایی ایفا می‌کند.

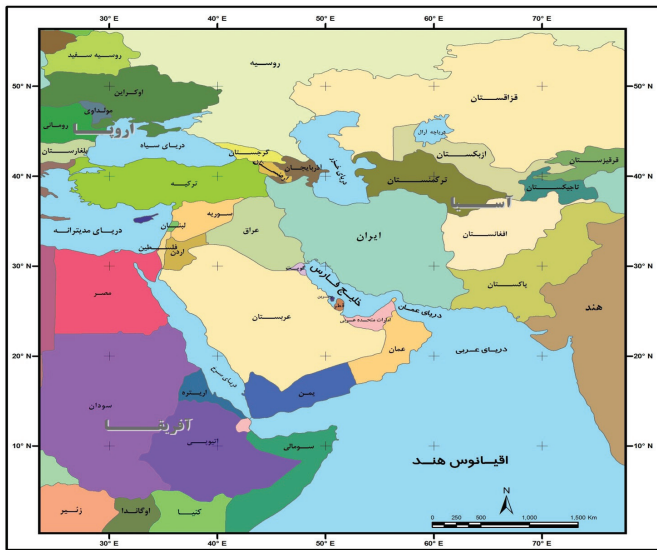
سرشت پویا و متحول نظام قدرت جهانی و توزیع فضایی و منطقه‌ای آن در جهان که عمدتاً تحت تأثیر تحول در علم و تکنولوژی و سطح آگاهی ملت‌ها از سویی و تحول در نقش و کارکرد عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی از سوی دیگر قرار دارد، باعث می‌شود که نظام جهانی و نظام‌های منطقه‌ای و روابط دولت‌ها و ملت‌ها با یکدیگر دائماً در حال تحول و دگرگونی باشند. این واقعیت ضرورت مطالعه علمی و دقیق ماهیت پدیده‌های سیاسی را در سطح جهانی، منطقه‌ای و محلی، کیفیت شکل‌گیری آنها و نیز عوامل پیدایش و بازتاب کارکرد پدیده‌ها را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید و میدان عمل گسترده‌ای را فراروی ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و جغرافیای سیاسی ممالک قرار می‌دهد.

موقعیت ایران در نظام جهانی و منطقه‌ای و کنش و روابط متقابل آن با قطب‌های قدرت جهانی و مناطق ژئوپلیتیکی، همواره مسائل جدیدی را می‌آفریند که مجموعاً زمینه بسیار مناسبی را برای مطالعه عوامل پویا و متحول سیاسی و علمی با تأکید بر واقعیت‌های جغرافیایی برای تبیین سیاست خارجی فراهم آورده است.

بیان مفاهیم امنیت:

تعریف فرهنگ‌های لغات از «امنیت» عبارت است از: در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن. «امنیت» همچنین عبارت است از: رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی، و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند. امنیت‌خواهی فردی، ملی یا بین‌المللی، در زمره‌ی مسائلی است که انسان با آن مواجه است.

امنیت به صورت وسیع، در مفهومی به کار گرفته شده است که به صلح، آزادی، اعتماد، سلامتی و دیگر شرایطی اشاره می‌کند که فرد و یا گروهی از مردم احساس آزادی از نگرانی، ترس، خطر یا تهدیدات ناشی از داخل یا خارج داشته باشند. عناصر اصلی، که تقریباً در تمام تعاریف امنیت مشاهده می‌گردند، ارزش‌ها، خطرات یا تهدیدات هستند. هم ارزش‌های عمومی و هم تهدیدهای عمومی، احتمالاً به امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب شده را مشخص می‌کند، و در معنای ذهنی، فقدان ترس و وحشت از حمله به ارزش‌ها را معین می‌نماید.



نقشه ۱: موقعیت ژئوپلیتیک ایران در منطقه

دکتر دره میرحیدر فارغ التحصیل از دانشگاه ایندیانای آمریکاست که در سال ۱۳۴۲ به گروه جغرافیای دانشگاه تهران پیوست و زمینه برای توسعه این شاخه از جغرافیا بیشتر فراهم گردید. با تصویب پذیرش دانشجوی در دوره کارشناسی ارشد جغرافیا از سال ۱۳۴۳ در دانشگاه تهران، چند واحد درسی در زمینه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک نیز در نظر گرفته شد. در سال ۱۳۴۶ امتحان ورودی جهت پذیرش دانشجوی دکتری در دانشگاه تهران به عمل آمد که از وظایف دانشجویان دکتری در این مقطع موفقیت در شهادتنامه‌های گنجانده شده در برنامه این دوره بود که یکی از این شهادتنامه‌ها به نام «مسائل جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک» بود و دانشجو می‌بایست آن را با موفقیت به پایان می‌رساند. در مقطع کارشناسی ارشد جغرافیای دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳ دو درس تحت عنوان «ژئوپلیتیک» و «مسائل جغرافیای سیاسی جهان» ارائه شد که درس «ژئوپلیتیک» آن را دکتر دره میرحیدر و «مسائل جغرافیای سیاسی جهان» را دکتر مستوفی تدریس می‌کردند.

جغرافیای سیاسی در ایران تا قبل از این دوره به صورت رشته علمی مطرح نبود و حتی از کتاب علمی دانشگاهی نیز برخوردار نبود، تا زمانی که دکتر میرحیدر در سال ۱۳۴۷ کتاب اصول و مبانی جغرافیای سیاسی را با رویکردی علمی تألیف و منتشر کرد. در این زمان نویسندگان و حتی جغرافی‌نویسان، موضوع جغرافیای سیاسی را تقسیمات اداری کشور و احیاناً اشاره‌ای به مرزها، نژاد، زبان و ملیت در مباحث جغرافیای سیاسی می‌دانستند. آموزش جغرافیای سیاسی در دوره‌ای به ایران راه یافت که بخش ژئوپلیتیک آن در اثر جریان‌های جنگ جهانی دوم و ظهور ژئوپلیتیک خاص آلمان تحریم شده بود و انتشار کتاب اصول و مبانی جغرافیای سیاسی و تدریس آن به دانشجویان مباحث جدیدی را در بین دانشجویان و همچنین در تاریخ ظهور جغرافیای سیاسی در ایران مطرح کرد. روند رو به گسترش علمی این رشته در دهه ۱۳۵۰ به دلایل شرایط حاکم در ایران تا انقلاب اسلامی با وقفه مواجه گردید. هر چند در این دهه

این دو وجهی بودن مفهوم امنیت در تعاریف لغت‌نامه‌ها، که از یک سو به معنای ایمنی، استواری و نفوذ ناپذیری، قابلیت اعتماد، اطمینان از عدم شکست، و از سوی دیگر، به معنای عدم اضطراب از تشویش و خطر اشاره دارد، منعکس است. از این رو، تعریف واحد و مطلق از «امنیت» وجود ندارد و این واژه دارای یک مفهوم ذاتاً نسبی است.

پس با توجه به اختلاف مفهومی بسیاری که درباره‌ی تعریف «امنیت» وجود دارد، با در نظر گرفتن همه‌ی موارد، می‌توان دریافت که «امنیت» یعنی آزاد و رها بودن از خشونت اعمال شده توسط دیگران. این کامل‌ترین تعریفی است که تقریباً جامع تمام تعاریف نیز هست.

ژئوپلیتیک:

مفهوم ژئوپلیتیک (Geopolitics) بیانگر حیطه‌ای از بررسی جغرافیایی است که عامل فضا را در شناخت چگونگی شکل‌گیری روابط بین‌الملل مهم تلقی می‌کند. این مفهوم متفاوت از جغرافیای سیاسی است زیرا جغرافیای سیاسی اثر تصمیم‌گیری‌های سیاسی انسان را روی چهره و اشکال جغرافیایی مربوط به محیط انسانی همچون حکومت، مرز، مهاجرت و... مطالعه می‌کند در حالیکه ژئوپلیتیک به مطالعه اثر عوامل جغرافیایی روی سیاست‌های دگرگون‌شونده جهانی می‌پردازد.

اما دقیق‌تر آن است که بگویم جغرافیای سیاسی با رابطه متقابل جغرافیا و سیاست سروکار دارد و بدین ترتیب مفهوم ژئوپلیتیک که به نقش عمده عامل فضا در شکل‌گیری روابط بین‌الملل معتقد است، جزئی از دانش و علم جغرافیای سیاسی محسوب می‌شود.

اطلاعات مورد نیاز برای این پژوهش از طریق اسناد و مدارک منتشر شده در کتاب‌ها و مقالات پژوهشی در مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، روزنامه‌ها... کتاب‌های و پایان‌نامه‌های دانشجویان در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی و همچنین منابع اینترنتی استفاده گردیده است.

روش تحقیق: مبنای انجام تحقیق بر پایه منابع کتابخانه‌ای و همایش‌های بین‌المللی و نیز تحلیل‌های رسانه‌های داخلی و خارجی است که بر محور مطالعات علمی در حوزه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک انجام شده است. نوع تحقیق: به دلیل تأکید بر مؤلفه‌ها و واقعیت‌های جغرافیایی مولد قدرت و استفاده بهینه از این نمادها در تعاملات بین‌المللی برای حفظ، توسعه و تأمین متناسب منافع همه جانبه ج. ا. ا. نوع تحقیق تحلیلی - کاربردی است. فرضیه تحقیق: این پژوهش در راستای ارزیابی فرضیه زیر صورت می‌گیرد: «تأکید استراتژی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر محور مبانی ژئوپلیتیک، تأمین‌کننده منافع راهبردی در بالاترین سطح ممکن است».

سیر تکوین جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک در ایران قبل از انقلاب اسلامی

با وجود تاریخ یک صد ساله جغرافیای سیاسی در جهان، در ایران مدت زیادی از تاریخ آن نمی‌گذرد. اولین متخصص در جغرافیای سیاسی در ایران



نیز چند کتاب در این حوزه ترجمه و کتاب ژئوپلیتیک منتشر شد.

جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک پس از انقلاب اسلامی

تألیفات و ترجمه‌ها در زمینه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک پس از انقلاب اسلامی ادامه یافت و با توجه به شرایط گسترش جهانی این علم و نیز جنگ عراق علیه ایران توسعه گسترده‌ای یافت (جدول ۱) و زمینه افتتاح گروه‌های جغرافیای سیاسی در دانشگاه‌های داخلی را، بیش از پیش فراهم نمود.

دانشگاه تربیت مدرس با پذیرش اولین دانشجویان دوره دکتری با گرایش جغرافیای سیاسی در سال ۱۳۶۶ این رشته را به صورت علمی - آکادمیک به جامعه علمی ایران عرضه کرد. دهه ۱۳۷۰ و اوایل دهه ۸۰ را باید انقلاب علمی جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک در ایران دانست. تهیه و تصویب برنامه رشته مستقل جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۷۱ در دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه امام حسین (ع) موجب نگرش‌های جدیدی به این رشته در ایران گشت. براساس این برنامه دانشگاه‌های امام حسین، تهران، تربیت مدرس و آزاد اسلامی اقدام به پذیرش مستمر دانشجو نمودند. برنامه مقطع دکتری جغرافیای سیاسی به عنوان یک رشته مستقل آکادمیک توسط دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۷۷ پیشنهاد شد و به تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی رسید. از همان سال دانشگاه‌های تربیت مدرس، تهران و آزاد اسلامی اقدام به پذیرش دانشجو در مقطع دکتری کردند.

جمهوری اسلامی ایران در شرایط جدید ژئوپلیتیکی

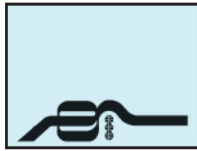
فرو ریختن نظام جهانی دو قطبی در دهه (۱۹۹۰م) که منجر به از میان رفتن موازنه ژئوپلیتیک جهان شد، ایالات متحده آمریکا را تشویق کرد تا در راه چیره شدن بر جهان سیاسی تلاش کند؛ تلاشی که این قدرت را در منطقه استراتژیک خاورمیانه با ایران به لحاظ اهمیت و موقعیت خاص ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک این کشور رو در رو ساخته است. حاصل این رو در روی تصمیماتی بوده در زمینه محاصره اقتصادی - استراتژیک و چالش‌های گسترده سیاسی و تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی ایران، چنان‌که علاوه بر تحریم اقتصادی، از طرف شمال با ایجاد بحران (در دریای خزر، قفقاز و آسیای مرکزی)، مانع عبور لوله‌های نفتی و گازی منطقه از ایران شد که این امر خسارت‌های متعددی بر منافع ملی ایران وارد کرده است؛ از سوی جنوب (خلیج فارس و عراق) روابط ایران با همسایگان فاقد اعتماد لازم شد، عراق به ایران حمله کرد و هشت سال جنگید و امارات متحده عربی مالکیت بر جزایر ایرانی تنب و ابوموسی را ادعا کرد؛ از سوی خاور (پاکستان و افغانستان) شیعه‌کشی در پاکستان رونق گرفت و سپس با پیدایش طالبان، آمریکا در یک سلسله تحولات متعدد سیاسی و نظامی بعد از واقعه یازده سپتامبر (۲۰۰۱م) خود را جایگزین طالبان در افغانستان کرده و به دنبال آن در دشمنی‌های ویژه‌اش با ایران مسائل عمده‌ای از جمله بحران هسته‌ای و نیز بی‌اعتمادی هماهنگ بسیاری از کشورها در تعاملات بین‌المللی با جمهوری اسلامی ایران را دامن زد.

تحولات جهانی دهه پایانی قرن بیستم، حرکت مستمر به سوی آزمون

تئوری‌های جهانی‌سازی نظام نوین بین‌الملل را با استفاده از توسعه شگرف تکنولوژیک برای ترسیم چهره جدیدی از نظام جهانی ضروری نموده است. بر این اساس از آنجایی که محور عمده تئوری‌های روابط بین‌الملل بر اثربخشی دیدگاه‌ها در ترتیبات استراتژیک جهت اعمال قدرت بر پایه شناخت مناطق اصلی بین‌المللی است، منطقه خاورمیانه که به لحاظ ابعاد متعدد استراتژیکی در مرکز چرخ‌های منافع قدرت‌هاست، به عنوان محور عمده صورت‌بندی جدید روابط بین‌الملل تبیین شده است. این امر با دامن زدن به مناقشه‌ها و درگیری‌های داخلی منطقه را به بستری مناسب برای مداخله مستمر قدرت‌های خارجی تبدیل کرده است، زیرا دلیلی برخاسته از نگرانی‌های استراتژیک درباره کنترل ذخایر انرژی خواهد بود؛ بنابراین، وجود قریب ۷۰ درصد ذخایر ثابت شده نفت و بیش از ۴۰ درصد از منابع گاز طبیعی جهان در داخل منطقه‌ای بیضی شکل از جنوب روسیه و قزاقستان تا عربستان سعودی و امارات متحده عربی به مرکزیت کشور ایران، سبب شده تا این بستر فضایی استراتژیک با هدف تأمین امنیت جهانی انرژی تحت عنوان خاورمیانه بزرگ در عرصه سیاست نوین جهانی مورد توجه ویژه قرار گیرد. اینجاست که جمهوری اسلامی ایران با توجه به موقعیت مرکزی در این بیضی استراتژیک و نیز به دلیل عدم همراهی و هماهنگی با نیت طراحان این سناریوی جدید، به‌عنوان محور اولویت‌دار در تحولات استراتژیک طرح خاورمیانه بزرگ از جایگاه خاصی برخوردار می‌باشد. منطقه استراتژیک خاورمیانه آزمایشگاه طراحی و تعمیم الگوی نوین نظام جهانی متناسب با اهداف قدرت‌ها در قرن جدید است و کشور ایران میدان مرکزی این آزمایشگاه است. زیرا هر الگویی که در ایران تثبیت شود، دارای پتانسیل فراگیر و قابل تعمیم به همه منطقه خاورمیانه است.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و به دنبال آن استقلال جمهوری‌های شوروی، ایران را به فضای جغرافیای سیاسی جدیدی وارد کرد. ایران که در شمال و شمال‌غربی فقط با یک کشور (اتحاد جماهیر شوروی) هم‌مرز بود پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد در دسامبر سال (۱۹۹۱م) با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز همسایه شد و به دنبال آن، تغییراتی در رفتارهای بین‌المللی ایالات متحده آمریکا در مورد ایران پیش آمد که پس از قطع روابط ایران با آن در پی وقوع انقلاب اسلامی و خروج ایران از «پیمان ستو» در سال (۱۹۷۹م) و انحلال این پیمان (به عنوان شاخه شرقی پیمان ناتو)، ایالات متحده آمریکا از یک سو در پی به انزوا کشیدن ایران به استراتژی مهار دوگانه دست زد که جنگ تحمیلی عراق بر ایران یکی از اهداف این استراتژی بود و به مدت ۸ سال سبب تضعیف بنیان‌های اقتصادی و نظامی دو کشور مخالف آمریکا در منطقه شد (عزتی، ۳۱۲: ۱۳۸۰).

پیمان ناتو نیز با تصمیمی که برای گسترش قلمرو خود به سوی شرق دارد و با وقایع یازده سپتامبر (۲۰۰۱م) به بعد که حضور و نفوذ خود را در گستره قفقاز و آسیای مرکزی و حتی افغانستان نیز قطعی نموده است، نه تنها به مهار روسیه در مرزهای جنوب‌غربی دست زد، بلکه در عین حال، به مهار و محاصره شمال‌غربی، شمال و شرق ایران و عدم دسترسی ایران به قفقاز و روسیه توجه بسیار دارد. در این باره باید گفت، در صورت قطعیت رژیم حقوقی و تقسیم دریای خزر به بخش‌های ملی ارتباط مستقیم آبی



از فردای فروپاشی جهان دو قطبی، در اندیشه توجیه نظام جهانی تک قطبی بوده است؛ یعنی نظام ژئوپلیتیک هر می شکلی که قدرت‌ها، به نسبت توان و ظرفیت‌های گوناگون در سلسله مراتب آن قرار خواهند گرفت و خود ایالات متحده در رأس هرم، بر سرنوشت سیاسی جهان چیره خواهد شد و روابط بین‌الملل را بنا به میل خود و متحدانش اداره خواهد کرد. تحلیل فرآیند تحولات ژئوپلیتیکی ایران در ادوار مختلف و به ویژه در زمینه تعاملات ژئوپلیتیک و سیاست خارجی معاصر ایران حاکی از آن است که با توجه به همسایگی ایران با پانزده کشور مستقل و ۲۴ دولت همجوار، چنین موقعیتی فضای سرزمینی ایران را در مرکز تلاقی دولت‌هایی قرار داده است که به طور ماهوی نیازمند تکامل فضایی همه جانبه می‌باشند. در واقع این موقعیت تهدید و فرصت برای ایران به گونه ای است که این کشور با استفاده از یک موقعیت استثنایی مرکزی و کانونی، می‌تواند به کانون صلح و همبستگی بین منطقه‌ای تبدیل شود. این در حالی است که تاکنون تعدد کشورها و دولت‌های همجوار ایران، تنها زمینه افزایش ظرفیت‌های مشاخره را فراهم آورده است. در این باره، جوانی و ناپایداری دولت ملت‌های همجوار ایران را می‌توان یکی از دلایل این ناکامی دانست به گونه‌ای که به جز روسیه و ترکیه عمر سیاسی هیچ یک از کشورهای همجوار ایران به یک قرن نمی‌رسد.

بر این اساس ج. ا. ا. در تهیه و تنظیم استراتژی ملی و کلان خود تا آنجا که به محیط استراتژیک بیرونی مربوط می‌شود به ناچار باید سه واقعیت محوری را بپذیرد که عبارتند از: ۱- تراکم تهدیدهای پیرامونی ۲- مرزهای کنترل ناپذیر و ۳- فقدان چتر حمایتی بین‌المللی، زیرا این واقعیت‌ها در درازمدت بر امنیت، وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور ایران تأثیرات گسترده ای به جای می‌گذارند (کریمی‌پور، ۲۲۰، ۱۳۸۰).

این جایگاه خاص و رویکردهای مثبت و منفی ژئوپلیتیکی آن در تمامی ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی با بروز چالش‌های متعدد برای ایران در ادوار گذار مناسبات ژئوپلیتیکی و تعاملات بین‌المللی، همواره حاکی از مشکلات و مسائل عدیده بر سیاست خارجی ایران بوده است.

از این رهگذر است که می‌توان بین ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران سه نوع رابطه خاص را مورد توجه قرار داد:

۱- رابطه ساختاری و پایداری: نتیجه عملی این ارتباط ساختاری و پایداری ژئوپلیتیک ایران سبب شده تا در تمامی مراحل پنج قرن گذشته سیستم بین‌المللی که همراه با تغییرات گسترده در کانون قدرت‌های جهانی بوده، همیشه به عنوان یک کشور بین‌المللی باقی مانده است.

۲- رابطه متحول و متغیر: بین سیاست خارجی ایران و ژئوپلیتیک رابطه‌ای متحول و متغیر هم وجود داشته است. یعنی هر چند که ایران همواره با پایداری عنصر ژئوپلیتیک در سیاست خارجی روبروست ولی در شکل این رابطه، تحول و تغییر وجود داشته است. زیرا کانون‌های قدرت بین‌المللی در چند قرن گذشته همواره سیال بوده‌اند.

۳- رابطه ادراکی و عملی: ادراکات متعددی در ادوار مختلف در بین نخبگان ایران از ژئوپلیتیک وجود داشته است که همین تعدد در ادراک ژئوپلیتیکی سبب ظهور نگرش‌های متعددی در سیاست خارجی بر بستر ژئوپلیتیک ایران بوده است و به عبارتی این رابطه کاملاً دارای منشأ داخلی است

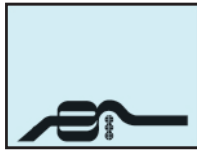
ایران و روسیه نیز قطع و روابط دو کشور در چهارچوب مناسبات کشورهای حاشیه دریای خزر تنظیم خواهد شد. این در حالی است که روسیه و ایران به همکاری و ارتباط مستقیم با یکدیگر نیاز دارند. بدین ترتیب ایران از سوی شمال، غرب، شرق و حتی با تحولات سال (۲۰۰۳م) عراق و احتمالاً حضور گسترده‌تر نیروهای ناتو در راستای استمرار حضور آمریکا با سوء استفاده از آرمان ایجاد ثبات در خاورمیانه (عراق و افغانستان) در مهار و محاصره همسایگانی قرار گرفته است که منافع خود را بیشتر در برقراری ارتباط نزدیک با غرب و به ویژه آمریکا جستجو می‌کنند (کمپ ۲۸: ۱۳۸۳).

علاوه بر این در خلیج فارس مسأله جزایر ایرانی تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی و ادعای مالکیت آن توسط امارات متحده عربی از جمله مسائل پیش روی ایران است که توسط ایالات متحده آمریکا برای تیرگی روابط ایران با اعراب، هر از چندگاهی رخ می‌نماید و تقریباً در تمام اجلاس‌های اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس با طرح آن، به ایران هراسی اعراب دامن زده می‌شود. در حالی که به نظر می‌رسد پس از پایان جنگ سرد این جزایر اهمیت استراتژیکی گذشته خود را از دست داده‌اند، طرح مسائل مربوط به جزایر سه‌گانه فقط برای یافتن بازار تسلیحات آمریکایی در بین اعراب است که آنها را از خطر بنیادگرایی اسلامی و گسترش حوزه نفوذ ایران می‌ترسانند. این مسأله حتی در تهاجم‌های جولای (۲۰۰۶م) رژیم صهیونیستی به لبنان (معروف به جنگ ۳۳ روزه) و دسامبر (۲۰۰۸م) به نوار غزه (معروف به جنگ ۲۲ روزه) و دفاع جنبش‌های مقاومت حزب‌الله لبنان و مقاومت حماس، غرب سیاسی را بر آن داشت تا با تمسک به حمایت جمهوری اسلامی ایران از حزب‌الله و حماس و نیز ترویج تهدیدات متعدد در میان اعراب، آنان را وادار به خریدهای نجومی تسلیحات نظامی نماید. مع‌الوصف با توجه به تحولات جهانی و جهانی شدن اقتصاد و گسترش سازمان‌های منطقه‌ای بر مبنای مناسبات همسایگی و ضرورت‌های جلوگیری از تنش و خصومت بین همسایگان، به منظور کاهش هزینه‌ها در سیاست خارجی و تأمین همه‌جانبه منافع ملی، تسریع بموقع و متناسب در برقراری مناسبات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بازرگانی با همسایگان در قالب طرح‌های جامع و الگوهای مشترک استراتژیک سبب جلوگیری از انزوای بین‌المللی و توسعه متناسب منافع ملی و منطقه‌ای ایران خواهد شد.

ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران

دیدگاه ژئوپلیتیک دگرگون شده ایران نسبت به تعاملات جهانی و منطقه‌ای، دستاورد مطالعه دگرگونی‌های سریع در نظام ژئوپلیتیک جهانی و اولویت‌های آن است، ایران در تعاملات نوین با جهان سیاسی پست مدرن از راه تعیین دو منطقه ژئوپلیتیک مهم در سرحدات جنوبی و شمالی با تکیه بر آنچه در این دو جناح می‌گذرد، به نقش آفرینی‌های منطقه‌ای خود اهمیت ویژه‌ای می‌بخشد (مجهز زاده، ۱۲۷، ۱۳۸۱).

نخستین نکته‌ای که در مطالعه روابط خارجی ایران باید مورد توجه قرار گیرد، اینکه موضوع مزبور در یک چهارچوب معینی پیگیری می‌شود و تابعی از شرایط درست یا نادرست حاکم بر روابط بین‌الملل است. در نگاه ایرانی به این چشم انداز گسترده، تردیدی نیست که ایالات متحده آمریکا



(سجادپور، ۱۳۸۳). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر با اولویت‌های اساسی ذیل مواجه است:

۱- ضرورت توجه ویژه به نوسازی و توسعه کشور و تأمین سطح قابل توجهی از رفاه مادی و معنوی برای عموم جامعه که این امر جز با اعمال یک سیاست خارجی همه جانبه و مبتنی بر اعتمادسازی متقابل با همکاری مؤثر، امکان پذیر نیست.

۲- حفظ اسلام و منافع اسلامی با سیاست‌های اسلامی بر محور ژئوپلیتیک اسلام و در جهت تعمیق اهداف استراتژیک.

۳- حضور فعال و مؤثر در تعاملات بین‌المللی با هدف ایجاد تشکلهای همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی برای ممانعت از تثبیت نگرش‌های هژمونیک.

۴- توجه به تبیین همه جانبه و اعمال ظرفیت‌های جامع قانون اساسی در امور داخلی و خارجی کشور برای حل مسائل پیش رو در سیاست

خارجی امری ضروری است. زیرا با توجه به جایگاه خاص قانون اساسی در تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های کلان ملی و بین‌المللی جمهوری اسلامی

ایران که در فصل دهم آن نگاه به سیاست خارجی بر اساس اصول مهم آزادی (در داخل) و استقلال (در خارج) تعریف و تبیین شده است، آزادی

و استقلال دو الزام ملی برای نهادینه شدن مردم سالاری دینی در نظام ج. ا. است. لذا بر پایه شعارمحوری و اصلی مردم در انقلاب اسلامی

(استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی) آزادی پیش نیاز سیاست داخلی و استقلال نیز پیش نیاز سیاست خارجی برای استمرار مردم سالاری دینی در

قالب جمهوری اسلامی است؛ بنابراین، از آنجایی که رفتار سیاست خارجی و جهت‌گیری‌های استراتژیکی کشورها بایستی بر اساس شرایط و واقعیات

پیرامون با درک درست از تحولات بین‌المللی تبیین گردند، امروزه توجه جامع به تبیین متناسب و بکارگیری ظرفیت‌های همه جانبه قانون اساسی،

امری ضروری است. مع الوصف اهم چالش‌های رابطه بین سیاست خارجی و ژئوپلیتیک در ایران را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

۱- چالش کهن تنهایی استراتژیکی و ژئوپلیتیک در ادوار مختلف؛ ایران همواره فاقد متحد استراتژیکی بوده و به تعبیری ایران در بین اعراب، ترک‌ها

و سایر دول و ملت‌ها قرار دارد و با هر یک از آنها وجوه اشتراکی متعددی دارد ولی جزو هیچ یک از آنها نیست.

۲- چالش‌های مستمر ژئوپلیتیک و تغییر و تحولات متعدد مؤلفه‌های ژئوپلیتیک جدید از جمله تعارضات جهانگرایی و جهانی شدن، حفظ

مرزها و نیز وضعیت مرزها در جهان الکترونیک و یا ژئوپلیتیک نوین شیعه و چالش‌های ایدئولوژیک، اینکه ایران چگونه هم منافع خودش را تأمین کند

و هم تعاملات مناسب را در روابط بین‌الملل داشته باشد.

۳- چالش فکری و اینکه کدام نگرش ژئوپلیتیک و اجماعی می‌تواند منافع و امنیت ایران را تأمین کند.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و تحولات نظام بین‌الملل

با گذشت سه دهه از عمر جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی کشور در این مدت متأثر از تحولات شگرف و عمیق بین‌المللی و منطقه‌ای

بوده است. زیرا موقعیت منحصر به فرد ژئوپلیتیک ایران به گونه‌ای است

که این کشور همواره در سیر تحولات استراتژیکی به عنوان یکی از اجزای لاینفک استراتژی‌های جهانی محسوب شده و این امر سبب شده تا تحولات

بین‌المللی نیز متقابلاً بر رفتار و سمت‌گیری‌های استراتژیکی در سیاست خارجی این کشور بسیار مؤثر باشند؛ بنابراین، تحلیل و تبیین سیاست

خارجی ایران به طور طبیعی تابع یک تحلیل سیستمی است، زیرا تعاملات خارجی دولت‌های ایران تحت تأثیر تحولات در نظام بین‌الملل است. بر

این اساس نه تنها سمت‌گیری‌های سیاست خارجی ج. ا. نسبت به دوره جنگ سرد در قالب رویکردهای سیستمی با تغییر در خط و مشی‌ها مواجه

شده، بلکه شدت و ضعف در تبلور بخش اعظمی از تعارضات سیاسی - امنیتی گاه و بیگاه قدرت‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران، به

لحاظ عدم توجه به این مسیر طبیعی و تعارض در رویکردهای سیستمی سیاست خارجی این کشور است. منافع ملی و بین‌المللی دولت‌ها در نظام

بین‌الملل تابع دو اصل جامعه‌پذیری و رقابت است؛ حضور دولت‌ها در جامعه نظام بین‌الملل ضمن رقابت میان واحدها، همگام با پذیرش هنجارها

و قواعدی است که آن نظام در کنار همه ویژگی‌های فردی، ایدئولوژیک و غیرایدئولوژیک برای دول فراهم می‌کند تا زمینه‌های درک متقابل برای آنها

فراهم گردد (سیف زاده، ۵۴، ۱۳۸۲).

تحلیل و بررسی سیاست خارجی ج. ا. مستلزم مطالعه در دو مقطع متفاوت از ساختار نظام بین‌الملل است: مقطع نظام دوقطبی از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ م

و مقطع نظام کنونی که از ۱۹۸۹ به بعد است. محور اساسی نظام بین‌الملل دوقطبی بر سلسله‌ای از همکاری‌ها و ائتلاف‌های متقارن و غیر متقارن استوار

بود که در آن ائتلاف‌هایی بین قدرت‌های بزرگ با کشورهای هر منطقه شکل می‌گرفت. اما در نظام تک قطبی کنونی با دگرگونی در همکاری‌ها

و منازعات نظام دوقطبی، سلسله جدیدی از الزامات برای کشورها ایجاد شده که در قالب اصل جامعه‌پذیری آنها قابل تبیین است، زیرا تنها منبع

ائتلاف و یا اتحاد، تک قطب قدرت جهانی است و گزینش قابل اطمینان دیگری وجود ندارد. در نظام دوقطبی تأمین امنیت عمومی کشورها با اتصال

به یکی از دو بلوک تاحدی قابل تضمین بود، اما در نظام کنونی موفقیت کشورها در سیاست خارجی مستلزم سخت کوشی و تلاش‌های فراوان است

و قدرت مانور برای دولت‌ها نیز بسیار پایین است (مصفا، ۱۷، ۱۳۸۵). ج. ا. با تأکید بر مطلوبیت محوری، در نظام دوقطبی بدون توجه به ساختار نظام

بین‌الملل برای دستیابی به اصول طراحی شده خود، تلاش گسترده‌ای را به کار گرفت، اما با فروپاشی آن نظام، سیاست خارجی ایران هم به مرحله

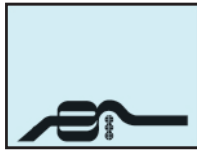
جدیدی وارد شد. لذا با تحولات در ساختار نظام بین‌المللی، مطلوبیت‌های جمهوری اسلامی ایران نیز دچار تحولی واقع گرایانه شد. البته این به معنای

حذف مطلوبیت‌ها و آرمان‌ها نبود، بلکه سلسله الزاماتی به وجود آمد که مانع از تحقق مناسب این مطلوبیت‌ها در فضای جاری بود.

در این فرآیند به لحاظ ویژگی‌های خاص ج. ا. ایران و تأکید بر رویکردهای ایدئولوژیک، نگرش واقع‌گرایانه در سیاست خارجی به این

معناست که در عین حفظ مطلوبیت‌ها با درک شرایط محیط بین‌المللی و نیز شناخت دقیق ظرفیت‌های متنوع در سیستم‌ها و زیرسیستم‌های قدرت

منطقه‌ای ایران، تلاش‌ها بر چگونگی دستیابی به مطلوب‌های نظام سیاسی



از میان می‌رود. مع الوصف آنگونه که مورگنتا می‌گوید: هر کشوری بر اساس منافع ملی عمل می‌کند و منافع ملی هم در قالب قدرت قابل تعریف است (مورگنتا، ۱۸۳، ۱۳۷۴). جمهوری اسلامی نماد اسلام است؛ بنابراین هرچه قوی‌تر باشد، جهان اسلام هم قوی‌تر است و هرچه توان عملش بیشتر باشد، به نفع مسلمانان جهان است. کشورها نباید اهداف سیاست خارجی خود را به گونه‌ای تعریف کنند که سایر کشورها دستخوش هراس و تهدید شوند. افزایش اقتدار ملی و بین‌المللی در گرو ستیز با قدرت‌های بین‌المللی نیست. زیرا اگر چنین شود، کشور همواره یا در حالت جنگی است و یا در حالت نه جنگ و نه صلح به سر می‌برد و این روند زیان‌های جبران‌ناپذیری را بر پیکر امکانات و بسترهای توسعه کشور وارد می‌کند و ظرفیت‌های دیپلماتیک و سیاست خارجی نیز هزینه مقابله با بحران‌هایی می‌شود که توسط قدرت‌های بزرگ برای کشور ایجاد می‌گردند.

در این راستا، مسأله فعالیت‌ها و دستاوردهای هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در زمان کنونی این خطر و توان را دارد که به درگیری نیز بینجامد؛ زیرا به ادعای ایالات متحده آمریکا که قدرت چیره است، ج. ا. ا. در پی جنگ افزارهای هسته‌ای است و در صورت دستیابی به آن، قواعد بازی دگرگون می‌شود و ایران نیز جایگاهی متفاوت و برتر در سطح منطقه و نظام بین‌المللی به دست می‌آورد. از این رو، آمریکا ایران را متهم به ستیز با نظام بین‌الملل و بی‌اعتنایی به قواعد می‌کند. بر اساس نظریه انتقال قدرت که نظام جهانی را مبتنی بر یک ساختار سلسله مراتبی چندقطبی می‌داند، ایران همواره پس از انقلاب اسلامی یک ناراضی و چالشگری بزرگ در هرم‌های قدرت منطقه‌ای و جهانی نظام بین‌المللی بوده است که این وضع می‌تواند برای قدرت چیره خطر آفرین باشد و از این رو، با مقابله شدید ابرقدرت و سایر قدرت‌های بزرگ و هم‌پیمانانش روبه‌رو می‌شود. بنابراین به باور پژوهشگران، اگر ایران بخواهد به یک قدرت برتر تبدیل شود، نیازمند جلب اعتماد دیگر بازیگران عرصه‌های نظام بین‌الملل است.

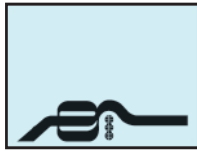
در این راستا، تاریخ بی‌ثباتی‌های بین‌المللی در چند سده گذشته حاکی از آن است که هرگاه در نظام بین‌الملل بی‌ثباتی پدید آمده است، کشور ایران نیز به سبب شرایط ویژه ژئوپلیتیکی، یکی از قربانیان این فرآیند بوده است. پس ج. ا. ا. با حفظ ارزش‌های ویژه خود، برای انتقاد از نظام بین‌الملل یا باید از اندیشه‌هایی که نظام کنونی را پدید آورده است انتقاد کند، یا از خود نظام بین‌الملل کنونی و موجودیت آن انتقاد کند.

اما توانایی دگرگون کردن ساختار نظام به سود خود را ندارد و تنها می‌تواند از فرصت‌هایی که پدید می‌آید، بهره‌برداری کند و محدودیت‌ها را کاهش دهد و چون به تنهایی نمی‌تواند به ستیز با این محدودیت‌ها برخیزد، لزوماً باید به همکاری و ائتلاف نیز بیندیشد. بنابراین با توجه به لزوم نگاه راهبردی و پایدار (توسعه‌گرایانه) به رویکردهای بین‌المللی، سیاست خارجی کشور ایران به دور از پیوند با معضلات منطقه‌ای، باید بر مبانی مؤلفه‌های ژئوپلیتیک (موقعیت، وضعیت، منابع انرژی، عرصه‌های فرهنگی و تاریخی، ایدئولوژی، منابع انسانی و...) شکل بگیرد. نگاه ژئوپلیتیکی تعیین‌کننده زمینه‌های فعالیت مؤثر در سیاست خارجی است. زیرا ژئوپلیتیک به این معناست که کجا می‌توانیم منافع بیشتری داشته باشیم. نگرش ژئوپلیتیکی در

کشور، طراحی شوند. (حاجی یوسفی، ۶۵، ۱۳۸۴). اساس نظام بین‌الملل کنونی را قدرت برتر جهانی و بازیگر اصلی آن یعنی ایالات متحده آمریکا بر اصول همکاری و رقابت، پذیرش و یا مخالفت پایه‌گذاری کرده است که اصل رقابت را به دلایل برتری‌های انحصاری و هژمونیکی خود، عملاً منتفی دانسته ولی دو اصل پذیرش و یا مخالفت را به عنوان محورهای اساسی در تعاملات نوین جهانی قرار داده است. در این فرآیند جاری نظام بین‌المللی، طراحی تقسیم کار جهانی روابط بین‌الملل بر پایه اقدامات و تظاهرات سخت افزاری ایالات متحده آمریکا و اقدامات نرم‌افزاری اتحادیه اروپا با محوریت انگلستان صورت گرفته است. در این مسیر، مخالفت‌های پیدا و پنهان برخی از اعضای اتحادیه اروپا، رویه‌ای صرفاً سنتی و تاکتیکی است و فاقد زمینه‌های عملیاتی می‌باشد، زیرا اروپا در تعاملات بین‌المللی، همواره گرایشی آتلانتیکی دارد و این گرایش را به عنوان یک اولویت استراتژیکی تعقیب می‌کند. نباید چنین پنداشت که با برقراری روابط دیپلماتیک میان ایران و آمریکا، همه مسائل و مشکلات موجود بین دو کشور مرتفع خواهد شد. اعمال دیدگاه‌ها و ایجاد تحولات هدفمند در امور بین‌المللی مستلزم ورود به سیستم بین‌الملل است. زیرا تجربیات تاریخی بیانگر آن است که حتی کشورهای ناراضی هم با ورود به سیستم، ضمن دستیابی به تغییرات مطلوب، بر نظام بین‌المللی نیز تأثیرات گسترده‌ای به جای گذارده‌اند. لذا با توجه به ظرفیت‌های کنونی توان کنش بین‌المللی و بویژه منطقه‌ای ایران اعم از ویژگی‌های ژئوپلیتیک، ژئو اکونومیک و ژئوکالچر آن در تعاملات بین‌المللی (هارتلند انرژی)، رفع تعارضات میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا مستلزم مرحله‌بندی استراتژیک با یک مدیریت کنش یا دیپلماسی هوشمندانه بر مبنای اصول حکمت و عزت ملی است. تجربیات و سیر تحولات تاریخی به جای مانده از سال ۱۷۸۹ با تشکیل جمهوری در آمریکا و ایجاد امپراتوری غیررسمی و تدریجی آن کشور با سلطه بر کشورها و تخریب ساختارهای بومی از جمله درمکزیک، هاوایی، فیلیپین و سرخپوست‌ها و بومیان منطقه، بیانگر دو نکته مهم است: نخست اینکه وقتی ایدئولوژی آزادی یا استقلال کشورها با منافع اقتصادی و ژئوپلیتیک دولت آمریکا تضاد داشته باشد، آرمان عدالت، آزادی و استقلال قربانی می‌شوند و مقابله با مطالبات آمریکا حرکتی تروریستی خطاب می‌شود.

دوم اینکه ایدئولوژی امپراتوری آزادی به عنوان رویای بنیانگذاران آمریکا که مبتنی است بر مسئولیت الهی متمدن کردن ملل وحشی، همچون هر امپراتوری دیگری سایر مردمان را بربر و انسان‌هایی درجه دوم و سوم تلقی می‌کند و این امر زمینه را برای تحقیر، شکنجه و بدرفتاری علیه آنان فراهم می‌کند. (وقایع زندان‌های گوانتانامو و ابوغریب). با این حال، مسائل بین‌المللی را نمی‌توان مادام‌العمر به صورت بسیط و جوهری نگاه کرد، بلکه این فرآیند باید در قالب یک زمان‌بندی دوره‌ای بررسی شود.

اگر یک نظام سیاسی بسته باقی بماند و تغییری نپذیرد، از آنجایی که محیط پیرامون داخلی و بین‌المللی آن به طور مستمر در جریان تغییر و تحول است، بتدریج دچار یک شکاف عظیم با پیرامون می‌شود و چون این سیستم سیاسی نسبت به محیط پیرامون از قاعده جزء به کل تبعیت می‌کند، لذا با بازندگی این جزء در برابر کل، آن سیستم سیاسی نیز بازنده شده و



عوامل زیرتقسیم کرد:

الف) تأثیر بلوک بندی‌ها بر سیاست خارجی

ب) تأثیر اوضاع و شرایط اقتصادی و ژئواکونومیک بر سیاست خارجی

پ) تأثیر ویژگی‌های ژئوپلیتیک بر سیاست خارجی

ت) تأثیر نگرش‌ها و رویکردهای ایدئولوژیک بر سیاست خارجی

ث) تأثیر مؤلفه‌های نرم افزاری اعم از تبلیغات و افکار عمومی بر سیاست خارجی، بر این اساس با پایان گرفتن بلوک‌بندی شرق و غرب و شرایطی که ایران برای عضویت در بلوک‌بندی‌های مختلف پیدا کرده است، باید بر ضرورت تحرکات ایران در حوزه‌های روابط دوجانبه و بین‌المللی تأکید شود و در بعد منطقه‌ای نیز با تکیه بر سیاست اعتمادسازی متقابل موجبات تقویت موقعیت ایران در منطقه و جهان فراهم گردد.

برای تحقق این امر، ضروری است که با نگرشی عملیاتی، اهداف ذیل در دستور کار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گیرند:

۱- حمایت از رشد و توسعه پایدار عمومی کشور ۲- دفاع از هویت و ارزش‌ها و اعتدالی تفاهات بین‌المللی ۳- مدیریت تهدیدها و فرصت‌های خارجی در شرایط ویژه ۴- اصل عدم سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی در روابط خارجی ۵- اصل حمایت از رویه‌ها و رویکردهای اسلامی در تعاملات بین‌المللی مع الوصف، تحولات شگرف تکنولوژیک و الزامات همگامی با آن در شرایط جدید بلوغ اجتماعی ایران، امروزه به اساسی‌ترین چالش در سیاست خارجی و توسعه ملی این کشور تبدیل شده است. امروزه پیشرفت هر کشوری منوط به پیشرفت و ظهور فضاهای متنوع در جامعه آن است و موفقیت در سیاست خارجی هم مستلزم برخورداری از یک جامعه قوی است. حال آنکه در گذشته لازمه سیاست خارجی موفق در هر کشوری، بهره‌مندی آن از یک دولت قوی بود. این است که با تحولات جدید در روابط بین‌الملل، سیاست خارجی تبدیل به چهارچوبی برای تسهیل روش‌های افزایش ثروت ملی در کشورها شده است (قاسمی، ۲۸، ۱۳۸۴). بنابراین با توجه به فرآیند نوین تحولات سیاسی نظام بین‌المللی، اساسی‌ترین مسأله برای تقویت اثربخشی ژئوپلیتیکی سیاست خارجی ج.ا.ا، توجه روزافزون به افزایش منافع ملی و رونق بسترهای پیشرفت جامعه است. اما از آنجایی که همواره به لحاظ ارتباط تنگاتنگی که شرایط خاص موقعیت مکانی کشور ایران با روندهای سیاسی نظام بین‌الملل و استراتژی جهانی داشته و رشد و توسعه را در آن مستلزم ایجاد فضای باز ژئوپلیتیکی نموده است، چگونگی رفتارها و عملکردها در حوزه سیاست خارجی آن همیشه از وضعیت تعیین‌کننده تری در تأمین سطح هزینه‌ها و منافع، میزان و نوع ارتباط این کشور با عرصه‌های بین‌المللی بهره‌مند بوده و از اهمیت به مراتب بالاتری در دستیابی به اهداف اساسی و توسعه پایدار کشور برخوردار می‌باشد. امروزه اهمیت این حوزه به نحوی است که موضوع توسعه برون‌گرا در سند چشم‌انداز بیست ساله کشور با اولویت خاصی و برای گسترش تعاملات با محیط بین‌المللی، مورد توجه و تأکید کارگزاران کشور قرار گرفته است.

محورهای اساسی در استراتژی ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران
دامنه گسترده تحولات جهانی دهه ۱۹۹۰م با دگرگونی‌های بنیادین در

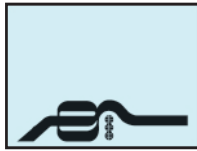
سیاست خارجی با ایجاد همگرایی‌ها و همکاری در توزیع منافع از طریق تبادل مزیت‌های موجود، ضمن پیوند منافع متقابل، سبب مدیریت تضادهای سیاسی می‌شود.

به طور کلی ج.ا.ا. به عنوان کشوری بین‌المللی با ویژگی‌های منحصربه‌فرد و جایگاهی متمایز در تحولات استراتژیک، همواره از تغییر و تحولات نظام بین‌المللی تأثیر می‌پذیرد و بر آن نیز متقابلاً تأثیر می‌گذارد. تردیدی نیست که ج.ا.ا. با توجه به ویژگی‌های خاص ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر، یک کشور مؤثر بین‌المللی است و بسیار فراتر از کشوری منطقه‌ای و محلی عمل می‌کند. بسیاری از کشورها صرفاً یک کشور بومی به شمار می‌روند؛ یعنی نه قدرت منطقه‌ای هستند و نه بر تحولات منطقه تأثیرگذاری چندانی دارند. در این باره می‌توان مثال‌های بسیاری را در آسیا، آفریقا و حتی اروپا ذکر کرد. برخی کشورها فراتر از مسائل داخلی خود مؤثرند و می‌توانند تحولات منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای را تحت تأثیر قرار دهند که اصطلاحاً از آنها با عنوان بازیگران منطقه‌ای و یا بین‌المللی نام برده می‌شود. ج.ا.ا. علاوه بر آنکه یک قدرت منطقه‌ای به حساب می‌آید، کشوری بین‌المللی و حتی در برخی ویژگی‌ها جهانی است؛ یعنی حرکات، رفتار و فعالیت‌های آن نه تنها در منطقه و پیرامون آن خلاصه نمی‌شود، بلکه برخی از آنها در کل جهان نیز بازتاب پیدا می‌کنند، همچنان که تحولات جهانی نیز بر آن تأثیرگذار است (رمضانی، ۷۱، ۱۳۸۰).

عواملی مانند نیروی انسانی جوان و با استعداد، موقعیت خاص ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک با ذخایر بسیار غنی و متنوع، ظرفیت‌های بالقوه‌ای را برای تبدیل ج.ا.ا. به یک بازیگر برتر منطقه‌ای و مؤثر در امور جهانی مهیا کرده است.

ج.ا.ا. برای ارتقای جایگاه فعلی خود که در معیارهای جهانی قابل توجه است، باید از وضعیت انتقالی و در حال گذار نظام جهانی نهایت بهره‌برداری را کرده و در قالب همکاری‌ها و اتحادیه‌های بین‌المللی و با حضور مؤثر در پیمان‌های استراتژیک منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، تلاش کند تا با ایفای نقشی مشارکتی برای تأمین اهداف و تدابیر کلان داخلی و خارجی خود با این سازمان‌ها در تصمیم‌سازی‌های جهانی حضور مؤثر داشته باشد. خصوصاً آنکه با گسترش روندهای جهانگرایی اهمیت گروه‌بندی‌ها و همکاری‌های بین‌المللی بیش از گذشته نمایان شده است. در این فرآیند، هر کشوری که خود را با پیمان‌های مختلف متصل و مرتبط نماید، در شرایط بهتری قرار داشته و از امواج گسترده جهانی شدن کمتر آسیب می‌بیند.

علاوه بر تقویت پیمان‌های سیاسی باید از تشکلهای اقتصادی در جهت توسعه و تجهیز بنیان‌های اقتصادی کشورهای عضو با تولیدات متنوع و به ویژه تولیدکنندگان منابع استراتژیک از جمله نفت و گاز و یا دارندگان ذخایر زیرزمینی ارزشمند استفاده شود. در کنار آپک که دارای اهمیت فراوانی در اقتصاد جهانی است، اکوبه عنوان یک سازمان اقتصادی منطقه‌ای نیز باید تقویت و کارآمد شود. مع الوصف چنانکه پیشتر نیز گفته شد، ایران کشوری بین‌المللی است که تبعاً تأثیر تحولات ملی و بین‌المللی آن بصورت متقابل است. بنابراین مجموعه شرایط و الزامات کنونی تأثیرگذار خارج از مرزهای ملی بر سیاست خارجی ج.ا.ا. را بطور کلی می‌توان به



روابط با کشورهای کلیدی و نقش آفرین در نظام بین‌الملل ارتباط دارد که مجموع این کشورها با همه تحولات به کمتر از تعداد ۳۰ کشور می‌رسد. بنابراین باز شدن ژئوپلیتیک در گرو ارتباطی مستقیم با این کشورهای کلیدی عضو سازمان ملل است. یکی دیگر از دستاوردهای استراتژی ژئوپلیتیک، میزان سرمایه‌گذاری خارجی است. در این راستا با توجه به اینکه بنیاد اقتصادی ایران بر محور انرژی قرار دارد و بر پایه اهداف استراتژی انرژی که سازمان‌های محدودی (هفت خواهران نفتی) در این عرصه از حداکثر توان مالی برخوردارند، لذا درک این واقعیت‌ها، مستلزم آگاهی کامل از شرایط موجود با تأثیرات گسترده ژئوپلیتیکی آن است که از جمله این تأثیرات، می‌توان به مسائل دریای خزر و بویژه موضوع برداشت از منابع انرژی آن اشاره نمود. بر این اساس، با طرح عبارت ژئواکونومی به عنوان یک مفهوم غالب در قرن ۲۱، کشور ایران در حیطه جغرافیایی و تحت کارکرد آن قرار گرفته است. زیرا حدود جغرافیایی حوزه‌های خزر و خلیج فارس که از آن با نام هارتلند جهان معاصر یاد می‌شود، با محوریت ایران شکل گرفته است (جفری کمب، ۱۳۸۲). برای درک واقعیت‌های یک استراتژی مبتنی بر ژئوپلیتیک باید به سه عامل زیر توجه شود:

- ۱- صحنه بازی که این صحنه در جهان کنونی متمرکز بر قاره آسیا و شامل جنوب غرب، جنوب، جنوب شرق و شرق آن است.
- ۲- بازیگران که عبارت از همان اعضای باشگاه صنعتی جهان هستند و در صورت درک شرایط بین‌المللی، برخی از کشورهای صحنه بازی نیز می‌توانند بازیگر اصلی هم باشند.
- ۳- فرمول یا نوع بازی که دیگر همانند قرن بیستم بر اساس اهداف استراتژی‌های نظامی نبوده بلکه بر محور نگرش‌های ژئواکونومیک خواهد بود.

الزامات ژئوپلیتیکی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

با اوج‌گیری نگرش‌های اقتصادی و تأثیرات همه جانبه آن بر تحولات جوامع، شواهد حاکی از آن است که در سده بیست و یکم معیار قدرت بر کم و کیف مدیریت منابع و بویژه توانمندی‌های اقتصادی در سطوح بین‌المللی متمرکز است. بدین سان در ترتیب و اولویت‌بندی منافع و قدرت ملی و ابزارهای نفوذ جهانی، توان اقتصادی هر کشور، مهم‌ترین جایگاه را در سال‌های اخیر به خود اختصاص داده است. با تحولات پس از جنگ سرد، مناطق ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک منطبق با مناطقی است که دارای منابع طبیعی سرشار و تولید ناخالص فراوانی باشند. بدین لحاظ است که منطقه خاورمیانه بویژه حوزه خلیج فارس با در اختیار داشتن بیش از ۶۰ درصد منابع تولید انرژی (نفت و گاز)، از نقش ژئواکونومیک منحصره‌فردی در سده بیست و یکم برخوردار است. حال اگر مناطق استراتژیک دوران جنگ سرد (ژئوپلیتیک) منطبق با عامل اقتصادی (ژئواکونومیک) گردد، آن مناطق موقعیتی بین‌المللی خواهند یافت که غیرقابل جایگزین بوده و نقشی محوری در تدوین استراتژی جهانی پیدا خواهند کرد. جمهوری اسلامی ایران با یک درصد جمعیت، رتبه دوم و چهارم از ذخایر گاز طبیعی و ذخایر نفتی جهان، در منطقه خلیج فارس و دریای عمان بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر ساحل مناسب عملیاتی و شمار زیادی جزایر استراتژیک در اختیار دارد و در شمال کشور

عرصه‌های روابط و سیاست بین‌الملل، کشورها را وادار کرد تا با ارزیابی استراتژیک از جایگاه خود در نظام بین‌الملل، ضمن بازبینی در استراتژی سیاست خارجی با تاکتیک‌های نوین، برای پیگیری و تأمین بهینه منافع داخلی و خارجی نیز بنحوی پایدار اقدام نمایند (راست و استوار، ۱۸، ۱۳۸۱). ج. ا. ا. به عنوان یک قدرت منطقه‌ای با پتانسیل‌های مؤثر بازیگری در عرصه‌های بین‌المللی، ضمن اثرپذیری از دگرگونی‌های روابط بین‌الملل، بدنبال تأثیرگذاری بر روابط و ساختارهای موجود می‌باشد. جغرافیای وسیع و متمایز ایران، منابع عظیم انرژی در داخل و اطراف ایران، ترکیب و کیفیت ساختار جمعیتی جوان و مستعد، انسجام ایدئولوژیک، عمق و گستردگی حوزه نفوذ فرهنگی، موقعیت منحصره‌فرد ژئوپلیتیک با تأثیرات متقابل استراتژیکی بر تحولات منطقه‌ای و سایر مزایای نسبی متعدد از جمله ویژگی‌های شاخص ایران در فضای بین‌المللی است. با این وجود، ثبات و تأمین امنیت داخلی و خارجی، رشد و توسعه اقتصادی، ارتباطات گسترده با حوزه‌های نفوذ نرم افزاری و تأثیرگذاری بر تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران، در شرایطی تحقق می‌یابد که ج. ا. ا. توسعه پایدار و تعاملات داخلی و خارجی خود را در قالب یک استراتژی جامع و متکی بر واقعیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی باتکیه بر مزیت‌های نسبی کشور، طراحی و تدوین نماید. این مهم از دیدگاه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک بیانگر یک طراحی استراتژیکی تحت عنوان استراتژی ژئوپلیتیک می‌باشد که برای تبیین چرایی و چگونگی تدوین آن می‌توان گفت: عبارت از یک جامع‌نگری عملیاتی با نگرش و رویکردهای استراتژیکی است که مبتنی بر واقعیت‌های جغرافیایی مولد قدرت می‌باشد، بنحوی که با نگاهی فراگیر از دور به نزدیک و یا از بالا به پایین، بستر ورود به صحنه‌های قدرت را با حداقل هزینه و در بالاترین سطح ممکن با هدف بازنمایی و تأمین بهینه منافع همه جانبه کشور، فراهم نماید.

مهم‌ترین اولویت‌های این طرح‌ریزی استراتژیک عبارتند از:

- ۱- ترسیم چشم‌اندازی بلندمدت برای حفظ ثبات و امنیت پایدار با آگاهی بر تحولات استراتژی‌های جهانی
- ۲- شناسایی و تدوین سیاست‌های متناسب برای درک تهدیدها و چالش‌های داخلی و خارجی در تقابل با جلوه‌های بحرانی مسائل خارجی
- ۳- تحقق اقتدار ملی و بین‌المللی منطبق با منافع همه جانبه کشور
- ۴- تلاش برای بازنمایی و تعدیل تهدیدها و چالش‌های پیش روی حاکمیت سیاسی کشور، بنابراین با توجه به تبیین علل و اهداف مطرح شده در طراحی یک استراتژی جامع ژئوپلیتیک.

محورهای اساسی در تدوین استراتژی ژئوپلیتیک برای ج. ا. ا. را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد: ۱- علایق حکومت ۲- شناسایی تهدیدها ۳- ابزار و نحوه برخورد با تهدیدها ۴- توجیه برای برخورد با تهدیدها. عمده‌ترین دلایل و شواهد عینی در کشورهای برخوردار از استراتژی ژئوپلیتیک عبارتند از: ۱- وجود فضای باز ژئوپلیتیکی ۲- میزان سرمایه‌گذاری‌های خارجی و بزرگنمایی ابعاد اقتصادی. باز شدن ژئوپلیتیک کشور جنبه کمی ندارد بلکه از جنبه‌های کیفی برخوردار است. در حال حاضر تعاملات جهانی بر اساس روابط میان همه واحدهای سیاسی برخوردار از عضویت و حق رأی در سازمان ملل، تبیین می‌شود، اما استراتژی ژئوپلیتیک یک کشور به چگونگی



ترکیب و کیفیت ساختار جمعیتی جوان و مستعد، انسجام ایدئولوژیکی، عمق و گستردگی حوزه نفوذ فرهنگی، موقعیت منحصربه‌فرد ژئوپلیتیک با امکان تأثیرگذاری متقابل استراتژیکی بر تحولات منطقه‌ای و دیگر مزایای نسبی متعدد که از جمله ویژگی‌های شاخص کنونی جمهوری اسلامی ایران در فضای بین‌المللی هستند، ثبات و تأمین امنیت داخلی و خارجی، رشد و توسعه اقتصادی، ارتباطات گسترده با حوزه‌های نفوذ نرم افزاری و تأثیرگذاری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود را در شرایطی محقق می‌کند که توسعه پایدار و تعاملات داخلی و خارجی را در قالب یک استراتژی جامع و متکی بر واقعیت‌های جغرافیایی و ملاحظات ژئوپلیتیک با تکیه بر مزیت‌های نسبی کشور، طراحی و تدوین نماید.

منابع و مأخذ

- ۱) اسلامی‌ندوشن، محمدعلی، (۱۳۷۶)، ایران و تنهائیش، نشر شرکت سهامی انتشار.
- ۲) ازغندی، علیرضا، (۱۳۸۱)، سیاست خارجی ج. ا. ا. نشر قومس.
- ۳) بردان و شلی، (۱۳۸۳) ژئوپلیتیک فراگیر، ترجمه فرشچی و رهنما، نشر دانشگاه فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ۴) بروس راست و هاروی استار، (۱۳۸۱)، سیاست جهانی، ترجمه امید، نشر دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.
- ۵) سجادی‌پور، کاظم، ۱۳۸۳، کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، تهران.
- ۶) سریع‌القلم، محمود، (۱۳۸۰)، عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران. مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- ۷) سیف زاده، حسین، (۱۳۸۲)، مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری درسیاست خارجی، نشر وزارت امور خارجه.
- ۸) سیاست خارجی توسعه‌گرا (۱۳۸۷)، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۹) حاجی یوسفی، امیر محمد، (۱۳۸۴)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای، انتشارات وزارت خارجه.
- ۱۰) رضائی، روح‌الله، (۱۳۸۰)، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ترجمه علیرضا طیب، نشر نی.
- ۱۱) عزتی، عزت‌الله، (۱۳۸۰)، ژئوپلیتیک قرن بیست و یکم. انتشارات سمت.
- ۱۲) قاسمی، فرهاد، (۱۳۸۴)، اصول روابط بین‌الملل، نشر میزان.
- ۱۳) کریمی پور، یدالله، (۱۳۸۰)، ایران و همسایگان، نشر جهاد دانشگاهی.
- ۱۴) کمپ، جفری، (۱۳۸۳)، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه متین، انتشارات مرکز مطالعات راهبردی
- ۱۵) مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۱)، ایده‌های ایرانی و دگرگونی‌های ژئوپلیتیک، نشر نی.
- ۱۶) مصفا، نسرین، (۱۳۸۵)، طرح جامع پژوهشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نشر وزارت خارجه.
- ۱۷) مورگنتا، هانس، (۱۳۷۴)، سیاست میان‌ملت‌ها، ترجمه مشیرزاده، نشر دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه.
- ۱۸) نیکسون، ریچارد، (۱۳۷۵)، پیروزی بدون جنگ، انتشارات البرز.
- ۱۹) هالستی، کی. جی، (۱۳۷۸)، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه مستقیمی و طارم سری، نشر وزارت امور خارجه.

نیز با دومین منبع نفت و گاز جهان هم‌مرز است، لذا در تأمین امنیت منطقه و در کمک به استقرار صلح و ثبات بین‌المللی قرن ۲۱ نقش محوری خواهد داشت. جهان در سده ۲۱ در حرکت بسوی منظومه‌های قدرت است. ایران نیز باید جهانی بیندیشد و با ورود به این منظومه‌ها با امکانات و منابعی که دارد، حداکثر تلاش را برای بهره‌برداری از فرصت‌ها در جهت حفظ و ارتقای منافع ملی بکار گیرد. لیکن به لحاظ عدم توجه عملی به واقعیت‌های ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک (الزامات ژئوپلیتیک) و تحولات سریع در هزاره سوم، منظومه‌های قدرت در تلاش برای بهره‌برداری یکجانبه از فضای ایران هستند. این شرایط سبب یک تصور تهدید مستمر برای جمهوری اسلامی ایران شده که این امر ضمن عدم سازگاری با روند تحولات سده ۲۱، ناشی از فقدان درک صحیح و جامع از فرآیند تحولات جهانی می‌باشد. تحولات گسترده در شرایط و اوضاع کنونی منطقه خاورمیانه که با واقعه تروریستی یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ م و ویرانی برج‌های دوقلوی سازمان تجارت جهانی در نیویورک آمریکا اتفاق افتاده است و تأثیرات ویژه آن با سقوط رژیم صدام و گروه افراطی طالبان در کشورهای عراق و افغانستان و به خصوص موفقیت جنبش‌های مقاومت اسلامی مورد حمایت ج. ا. ا. (حزب‌الله لبنان و حماس فلسطین در مقابله با تهاجمات نابرابر رژیم غاصب اسرائیل)، حاکی از ایجاد زمینه‌های مطلوب برای اقتدار منطقه‌ای ایران بوده و نمادی از ارتباط تنگاتنگ میان دگرگونی در وضعیت با کارکردهای دیپلماتیک برای کشور ایران است.

نتیجه‌گیری

پایان جنگ سرد و وقایع متعاقب آن تا حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ م، تأثیرات شگرفی را بر نظام سیاسی جهان و روابط بین‌المللی به جای گذاشت که بررسی دقیق شرایط کنونی آن مستلزم شناخت ریشه‌های تحولات و مناسبات حاکم بر نظام جهانی است. در دوران جنگ سرد، اولویت‌های سیاسی تعیین‌کننده بود؛ اما پس از آن اولویت‌های اقتصادی تعیین‌کننده روابط جهانی شد؛ بنابراین، هر نوع تحلیل در مناسبات جهانی بر موج اقتصادی قرار گرفت و به دنبال آن، ثبات سیاسی نیز در کشورهای مختلف تعریف جدیدی پیدا کرده است. این ثبات عبارت از دموکراتیزه شدن نظام‌های سیاسی است. با این تغییر و تحولات جهانی، به دلیل رابطه‌ای که میان توسعه اقتصادی و روابط جهانی با دموکراتیزه شدن پدید آمده است، درک شرایط و روابط میان کشورهای بزرگ (آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، انگلستان، هندوستان، آلمان و ژاپن) منوط به شناخت جهان کنونی است. در این شرایط جدید هر کشور پیش از هر کاری به دنبال منافع ملی خود است. به عبارتی، فرض باید بر این باشد که دیپلماسی و سیاست خارجی هر کشوری بطور مطلق و کامل باید در راستای تأمین بهینه منافع ملی باشد. این است که روابط میان کشورها در چهارچوب منافع ملی تنظیم می‌شود. بنابراین، با این فرآیند، پیش‌بینی می‌شود که مناسبات اقتصاد جهانی به گونه‌ای است که اختلافات میان قدرت‌های معاصر، فاقد درگیری شدید است، زیرا منافع اقتصادی هر امری را تحمیل می‌کند. در این راستا کشور ایران با جغرافیای وسیع و متمایز، منابع عظیم انرژی در درون و پیرامون آن،